

مسابقه دو می ماند که اگر بایستی و توقف کنی بازنده خواهی بود منتها بار مسئولیت بیشتری دارد چون اگر تو بایستی بقیه نیز باید بایستند و همه چیز باید دوباره از ابتدا آغاز شود. بنابراین در این سبک از فیلمسازی و بازیگری، هماهنگی و همدل و مسلط بودن اهمیت بسیار دارد و بسیار مهم بود که ما یعنی بازیگران و همه عوامل کار چگونه یکدیگر را حمایت کنیم چیزی که مناسبانه امروز بیشتر در حد حرف و ادعا باقی مانده و درک نمی کنیم که چرا من نوعی نباید از اتفاق خوبی که برای همکارم افتاده خوشحال شوم! امیدوارم این حس همدلی و حمایتگری بیشتر شود.

سخن پایانی.

از یکایک عوامل فیلم که صبوری و تلاش بسیار کردند تا این پازل شکل بگیرد ممنونم چون سکانس پلان اصلا شوخی بردار نبود و آقای عاطف امیری مدیر فیلمبرداری به حق کار بسیار دشوار و هنرمندانه‌ای را به پایان رساندند. برای ساخت این فیلم زحمت بسیاری کشیده شده و امیدوارم اتفاق‌های در خوری برای آباستن رقم بخورد.

تیما تقی‌زاده، بازیگر:

بدون حضور مریم، این سه‌گانه کامل نمی‌شد

پیشینه بازیگری تان در تئاتر و فیلم کوتاه تأثیری در نقش پردازی کاراکتر مریم داشته است؟
بازیگری را در دانشگاه هنر و معماری آموختم و سپس در ۴ فیلم بلند، ۱۰ فیلم کوتاه و ۱۲ تئاتر بازی کردم. با توجه به فرم و ساختار فیلم «آباستن»، تجربه‌ها و آموزه‌های تئاتر بی اندازه مرا در جهت خلق این کاراکتر پیش رانند.

کاراکتر مریم و پیچیدگی شخصیتی او چه تأثیری بر فضای فیلم «آباستن» دارد؟

مریم دختر جامعه درپوز، امروز و فرداست. او که شمالی نزدیک به نسل تازه جامعه دارد روایتگر آسیب‌هایی است که دختران و زنان در دوره‌های مختلف با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند. به غایت این شخصیت یکی از سخت‌ترین کاراکترهایی بود که در دوران فعالیت حرفه‌ای ام آن را اجرا کردم. طراحی به اندازه و هوشمندانه‌ی کاراکتر مریم در فیلمنامه در کنار ۲ زن دیگر، شمالی سه‌گانه از سه زن در طبقه نزدیک به یکدیگر، با آمل و آرزوهای متفاوت را تداعی می کند که فکر می‌کنم بدون حضور او یعنی مریم، این سه‌گانه کامل نمی‌شد.

آیا تجربه کارگردانی باعث می‌شود که یک بازیگر راحت‌تر کارگردان را درک کند؟

حتماً! اینطور است. زمانی که من از نگاه کارگردان فیلم به کاراکتر، فیلمنامه، لوکیشن و سایر بخش‌هایی که به کارم مربوط است نگاه می‌کنم، معادلات برایم فرم ساده‌تری پیدا می‌کنند و متصور می‌شوم که یک کارگردان چه انتظاراتی در صحنه از بازیگرش دارد و آنها من را پیش می‌برند.

محمد تنابنده، نویسنده و کارگردان:

فیلمنامه است که فضای اثر را مشخص می‌کند

ایده اولیه آباستن چگونه شکل گرفت؟

ایده اولیه این فیلمنامه از یک خبری که در مطبوعات خواندم آمد. خبری در مورد گروهی از مهاجران که می‌خواهند به صورت غیر قانونی کشور را ترک کنند اما توسط یک آدم پران، به دریا انداخته شده و همگی کشته می‌شوند. البته این فیلم ربطی به آن اتفاق ندارد و فقط برگرفته از آن است. در واقع «آباستن» قصه چند جوان است که می‌خواهند به صورت غیر قانونی از کشور خارج شوند و هر کدام مشکلی دارند که در انتها به یک فاجعه ختم می‌شود.

روند نوشتن فیلمنامه چگونه پیش رفت و آیا به تنهایی فیلمنامه را نوشته‌اید؟

این متن را با دوست عزیزم وحید جعفری نوشتیم. در ابتدا من تا حدودی به ایده سر و شکل دادم و بعد از وحید خواستم

که در نوشتنش کمک کند و با هم فیلمنامه را جلو بردیم که حدود یک سال زمان برد. فیلمنامه «آباستن» در ابتدا به صورت سکانس پلان نوشته نشده بود و بعد از اینکه فیلمنامه را به پایان رساندیم به این ایده رسیدم که چقدر این فضا جا دارد که به صورت سکانس پلان ساخته شود به همین دلیل فیلمنامه اول را کنار گذاشتم و بر اساس سکانس پلان فیلمنامه نهایی را نوشتم و از برادرم مصطفی خواستم که به صورت کارگردانی مشترک کار را بسازیم.

با توجه به اینکه سکانس پلان دشواری‌ها و مسائل خاص خودش را دارد چه موضوعی سبب شد که شما این سبک ساخت را در نظر بگیرید؟

دو ماه پس از اینکه نگارش فیلمنامه اولیه به پایان رسید دوباره آن را خواندم و دیالوگی که کاراکتر آدم پران در ابتدای قصه می‌گوید توجهم را جلب کرد، این که یک ساعت و نیم دیگر قرار است حرکت کنیم خب با توجه به اینکه یک فیلم سینمایی هم معمولاً و اصولاً ۹۰ دقیقه است دیدم که این یک ساعت و نیم چقدر برای کاراکترها مهم و حیاتی است و به نوعی این یک ساعت و نیم پیش رو، آینده آنها را رقم خواهد زد و به این نتیجه رسیدم که چقدر جالب خواهد بود اگر اثر را به صورت سکانس پلان بنویسم تا مخاطب نیز در این یک ساعت و نیم همراه کاراکترها و ما باشد و با دنیای کاراکترها آشنا شود.

به غیر از توماج دانش بهزادی که در فیلم «تدفین» نیز با او کار کرده‌اید با بقیه گروه بخصوص سوگل خلیق و عباس غزالی هم کار کرده بودید؟

نه، این اولین تجربه کاری من با عباس غزالی و سوگل خلیق بود و اولین گزینه من هم بودند. خدا دوستم داشت و همه بازیگرانی که می‌خواستیم و به جنس فیلم می‌خوردند را داشتم چرا که قصه فیلم بسیار ملتهب است و دقیقاً برعکس چند سکانس پلانی که در تاریخ سینما ساخته شده ریتیم بسیار بالایی دارد و خدا را شکر می‌کنم که توانستم در همان انتخاب‌های اولم به این گروه بازیگری برسیم.

یکی از موضوعاتی که در سکانس پلان‌ها اهمیت دارد تمریناتی است که پیش از شروع فیلمبرداری‌ها انجام می‌شود. شما در این پروژه چگونه عمل کردید؟

فیلمبرداری‌های ما در تالاب انزلی انجام شد. من و مصطفی به همراه همه بازیگران به مدت یک ماه در تهران به دور خوانی کار پرداختیم و تا جایی که می‌توانستیم روی تمام بالا و پایین‌های متن کار شد. پس از آن ۱۵ جلسه در لوکیشن تمرین کردیم و در یک روز فیلمبرداری کار انجام شد.

آیا فکر می‌کردید که «آباستن» به جشنواره فیلم فجر راه پیدا کند و پس از اینکه پذیرفته شد چه بازخوردهایی داشتید؟

پیش از جشنواره و زمانی که همه کارهای فیلم انجام شده بود فرصتی ایجاد شد و خیلی از همکاران که دوستان نزدیکم هستند توانستند بیایند و فیلم را ببینند و نظر همه آنها این بود که حتماً فیلم را به جشنواره فجر بفرستم و همین مسئله باعث شد که تصمیم بگیرم و اثر را به جشنواره بفرستم و خیلی هم از این تصمیم راضی هستم و پذیرفته شدن کار در جشنواره فیلم فجر ۴۳ برایم خبر خوشحال کننده‌ای بود.

با توجه به اینکه فجر مهم‌ترین جشنواره سینمایی ایران است از تأثیری که روی کارنامه کاری یک فیلمساز می‌گذارد بگویید.

واقعیت این است که بعد از حضور در جشنواره فجر کارمان کمی سخت‌تر هم می‌شود به این دلیل که باید خیلی تلاش کنیم تا در اتفاقات بعدی باز هم قدمی رو به جلو برداریم و فیلم بهتری بسازیم. به هر حال فجر مهم‌ترین جشنواره فیلم ما است و برای بسیاری از کارگردانان شناخته شده امروز اتفاقات ویژه‌ای در همین جشنواره فجر رقم خورده و به نوعی در هموار شدن مسیر شغلی‌شان تأثیر گذار بوده است. من هم چون این مسئله را می‌دانستم از چند ماه قبل شروع به نوشتن فیلمنامه جدیدی کردم تا مطمئن باشم که در گام بعدی کار

بهتری انجام خواهیم داد.

در فضاسازی فیلم «تدفین» در دکور، لوکیشن و طراحی لباس کاراکترها از رنگ‌های سرد استفاده شده بود آیا در فضای این فیلم نیز با همین رنگ بندی رو به رو هستیم؟

ترکیب رنگ فضای فیلم «آباستن» خیلی شبیه به فیلم «تدفین» است شخصاً این ترکیب رنگ در فضای اثر را دوست دارم ولی انتخاب این فضا صرفاً به دلیل علاقه شخصی ام نیست بلکه معمولاً فیلمنامه‌ای که می‌نویسم مشخص می‌کند که قرار است اثر را با چه رنگ و ترکیب نوری اجرا کنیم.

همکاری با تهیه‌کننده کار آقای جلال تیموری چگونه شکل گرفت؟

خود آقای تیموری چند فیلم کوتاه ساخته و کارگردانی کرده‌اند و تهیه‌کننده چند کار تئاتر نیز بوده‌اند. ایشان سرمایه‌گذار فیلم «دو زیست» اثر برزو نیک‌نژاد هم بودند و شخصی هستند که کار کردن با ایشان لذت بخش است چون درست مثل خود ما عاشق این کار است خیلی مطالعه دارد، خیلی فیلم می‌بینند و بسیار همراه هستند.

وحید جعفری، نویسنده:

جوانان می‌توانند ورق سینما را برگردانند

از آغاز و تداوم همکاریتان با آقای تنابنده بگویید.
من کارشناسی ادبیات نمایشی از دانشکده هنر و معماری دارم و با محمد تنابنده رفاقتی بالای ۲۰ سال و یک همکاری ۱۵ ساله در زمینه نمایشنامه و فیلمنامه داریم. پیش از فیلم «تدفین» که در بخش هنر و تجربه به اکران رسید نیز در چند سریال و نمایشنامه همکاری داشتیم تا این اواخر که روی فیلمنامه «آباستن» و یک سریال به کارگردانی منوچهر هادی همکاری کردیم.

وقتی قرار است به صورت مشترک به ایده‌ای پرداخته شود چه مسائلی پیش روی این همکاری دو نفره قرار می‌گیرد و تقسیم کار شما چگونه است؟

رفاقت و سابقه همکاری‌ای که داریم ما را به یک هم‌زبانی رسانده که کار را برای ما آسان می‌کند و چون زبان یکدیگر را می‌شناسیم و درک می‌کنیم خیلی راحت قصه را پیش می‌بریم. من و محمد شاید بالغ بر ۵۰ طرح با هم نوشته‌ایم و همین مسلمان تأثیر گذار بوده و باعث شده که لحن هم را پیدا کنیم. در واقع با اینکه ما با هم دوست بودیم اما در همکاری‌های مان و با توجه به اهمیت روند کاری تلاش کردیم که لحن مشابهی داشته باشیم و فکر می‌کنم که خدا را شکر در زمینه قصه‌گویی این اتفاق افتاده است.

به نظر تان فیلمنامه آباستن موفق به کسب جایزه از جشنواره فجر می‌شود؟

ببینید حقیقت این است که ما به قله کوه نگاه می‌کنیم و دوست داریم که این اتفاق بیفتد و فکر نمی‌کنم که کسی از این موضوع بدش بیاید و طبیعتاً ما هم مستثنا نیستیم. در روزهایی که روی این فیلمنامه کار می‌کردیم واقعاً به قله کوه فکر می‌کردیم.

سخن پایانی

از محمد تنابنده به خاطر اینکه پیش از هر چیز به من اعتماد کرد تشکر می‌کنم و امیدوارم که جواب اعتمادش را داده باشم. یک نکته‌ای که به نظر خیلی مهم است اعتماد تهیه‌کنندگان به جوانان این عرصه است. باور کنند آن گونه که فکر می‌کنند دشوار نخواهد بود این جوانان سرشار از انگیزه هستند و به جرات می‌گویم که این جوانان واقعاً می‌توانند ورق سینما را برگردانند. من جوانان زیادی را می‌شناسم که بسیار زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند اما تهیه‌کننده‌ای در میان نیست که به آنها اعتماد کند. بنابراین از تهیه‌کنندگان کاردرست و کاربلد سینمای ایران که می‌توانند با اعتمادشان انگیزه این جوانان را ۱۰۰ برابر کنند خواهش می‌کنم به جوانان اعتماد کنند.